

ما، تمام آن آمریکایی‌های لعنتی را به گریه انداختیم

گفت و گو با تهیه‌کنندگان
چهار عروسی و یک تشییع جنازه،
فارگو، بیلی الیوت،
خاطرات بریجیت جونز و...

اریک فلنر و تیم بون دو تهیه‌کننده نابغه انگلیسی هستند که صنعت فیلم این کشور را به طور کامل احیا کرده‌اند. تمام فیلم‌های مشهور بریتانیایی دهه اخیر متعلق به این دو شریک خوشفکر هستند. آنها حتی در پروژه‌های آمریکایی - مثل فیلم‌های برادران کونن - نیز دست‌اندازی می‌کنند و تولید آنها را به عهده دارند.

مطلب زیر گفت‌وگویی خواندنی است که مجله امپایر با این دو منجی سینمای انگلیس انجام داده است. خواندن آن را توصیه می‌کنیم.

در طبقه پنجم ساختمانی بی‌نام و نشان در یکی از خیابان‌های لندن، در اتاق انتظار نشسته‌ای و به‌جای توجه به دختران جوانی که برای تست بازیگری آمده‌اند، به بوسترهای بزرگ فیلم روی دیوار خیره می‌شوی. منتظری تا نامت را صدا کنند و وارد یکی از آن دو اتاق شیشه‌ای وسایلش شوی. دوباره از خود می‌رسی: «علت حضور من در اینجا چیست؟»

به یاد حرف‌های هیو گرانت در مورد همین مکان می‌افتی: «واقعاً فوق‌العاده است که با پای پیاده به یک دفتر فیلمسازی بریتانیایی در خیابان اسکفورد بروی؛ معماری به‌روز لندن و کارمندان زن، همه عوامل به جای اینکه چیزی از BBC باشند، کاملاً آمریکایی‌اند. آماتورهایی بسیار کار بلد». شاید هم با نگاه به بوسترها، یکبار دیگر این نام‌ها را در ذهنت مرور می‌کنی: چهار عروسی و یک تشییع جنازه، ناتینگ هیل، فارگو، بیلی الیوت، الیزبت، ای برادر تو کجایی؟ و کیفیت بالا.

اینجا Working Title است: هیچ‌آن‌کیزترین دفتر تولید فیلم در سرتاسر بریتانیا. معماران و طراحان اصلی این شرکت، تیم بون ۴۲ ساله و اریک فلنر ۴۱ ساله‌اند. اگر چه بون در نیوزیلند به دنیا آمده، اما دو نفر در تکلیس تحصیل کرده کاملاً بریتانیایی‌اند. مسلماً کار بلد هستند، اما قطعاً آماتور نیستند.

در ساعات فراوانی
موم‌انسانی



این دو مرد بی ادعا، متواضع و خجالتی در تعطیلات اسکار هم استراحت در خانه را به هر چیز دیگر ترجیح می دهند. با این وجود، رؤسای مشترک Working Title مثل همکاران قدیمی خود، برادران کوئن جلدانشندی، مهم و به طرز بحث برانگیزی خلاق هستند.

فلتر و بون حرفه خود را به طور جداگانه ولی موازی آغاز کردند. بون در سال ۱۹۸۴ و در ۲۵ سالگی WT را بنیاد نهاد و این دقیقاً زمانی بود که استفن فریزر به دنبال تهیه کننده ای برای فیلم خود، رختشویخانه زیبای من می گشت. درست در همان زمان فلتر هم در پی مقدمات تولید فیلم سید و ناسی به کارگردانی الکس کاکس بود. یک سری از فیلم های موفق در انتظار هر دو نفر بود: مقالات راشل ۱۹۸۹، مأمور مخفی ۱۹۹۰، و بوسه قبل از مرگ ۱۹۹۱ از تولیدات فلتر و خدمات شخصی ۱۹۸۷، به خاطر ملکه و کشور ۱۹۸۸ و مرد قبلند ۱۹۸۹ بهترین کارهای بون. در طی این سال ها هر دو نکات سودمندی آموختند. اما مهم ترین نکته، شکل گیری چندین رابطه شخصی و حرفه ای بود. در مأمور مخفی، فلتر با فرانسیس مک دورماند و بلافاصله با جوئل کوئن شوهر او آشنا شد. فلتر بعدها به مک دورماند کمک کرد تا با فارگو اثر همسرش، برنده جایزه اسکار شود. در همین حال، بون هم با ریچارد دکورتیز، نویسنده مرد قبلند آشنا شد. هنگامی که مایکل کوهن در سال ۱۹۹۲ PFE را تأسیس کرد، به فلتر و بون مأموریت داد تا برای اولین بار با حمایت استودیو و اتکا به تجربه خود، به دنبال فیلمنامه های اصیل و موفق باشند. آنها سرانجام به آنچه می خواستند دست یافتند: چهار عروسی و یک تشییع جنازه، نوشته ریچارد کورتیز در سال ۱۹۹۴. نتیجه بسیار رضایت بخش بود. ۲۵۰ میلیون دلار در گیشه و یک فرمول موفق و تجربه شده. ناتینگ هیل با ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۹ و فیلم مستربین با بودجه ۲۰ میلیونی و فروش ۲۳۰ میلیونی در سال ۱۹۹۷، به WT این فرصت را داد تا در پروژه های مخاطره آمیز تر سرمایه گذاری کنند. به همین دلیل است که سینماگرانی نظیر استفن فریزر، تیم راییتز و برادران کوئن به همکاری خود با WT ادامه دادند. البته فیلم های کوچکی هم ساخته شدند که فروش بالایی داشتند. بیلی البوت اولین محصول WT۲ در سال ۲۰۰۰ بود.

WT۲ بخشی از Working Title است که به گفته بون در فیلم هایی با بودجه کمتر از ۵ میلیون سرمایه گذاری می کند. در مجموع، حاصل این همکاری توفیق آمیز ۹ ساله، ۱۰۶ میلیارد دلار فروش در گیشه و کسب چهار جایزه اسکار از ۲۱ بار نامزدی است.

این روزها بون و فلتر پروژه ها را به تساوی میان خود تقسیم می کنند. فلتر در پی پخش جهانی خاطرات روزانه بریجیت جونز است و بون درگیر اکران ماندولین کاپیتان کورلی. در هر حال امروزه WT چنان موفق است که تمامی نگاه ها متوجه شکست تولید فیلم در سایر نقاط بریتانیاست.

این دو دوست چنان باهم هماهنگ هستند که غالباً جمله های یکدیگر را کامل می کنند. هیوگرانت که پروژه «درباره یک پسر» چهارمین همکاری او با WT خواهد بود، می گوید: «تیم مادی گرا است و اریک مردم گرا». اما در طی این ملاقات مشخص شد که بون طبیعتاً پرحرفتر است و فلتر نقش یک ذخیره آرام را بازی می کند. شاید تنها تفاوت عمده این دو مرد، دمای آنهاست: بون مثل دفترش سرد است و فلتر به گرما نیاز دارد. بنابراین پس از یک گفت و گوی شاد در دفتر بون، به محل کار فلتر نقل مکان کردیم تا در آنجا عمیق تر صحبت

کنیم.

● اگر موافقت با بریجیت شروع کنیم، آیا به نظر شما این فیلم ادامه ای بر چهار عروسی و... و ناتینگ هیل است؛ اصلاً چنین سه گانه ای مد نظر تان بود؟

○ اریک فلتر: نه اصلاً. آیا تو تا به حال چنین فکری به ذهنت رسیده بود؟

○ تیم بون: نه. این چیزی است که به تدریج پیش آمد.

اریک دو سه سال پیش حقوق اثر را خرید، در حالی که هنوز یک کتاب بود و در طول این مدت، افراد بسیاری درگیر کار شدند. مشخصاً هلن فیلدینگ نویسنده اثر وقت زیادی گذاشت...

○ اریک فلتر: که البته نقشی در چهار عروسی و... و ناتینگ هیل نداشت. بعد اندرو دیویس بود که ...

○ تیم بون: یک باز نویسی جالب انجام داد...

○ اریک فلتر: ... و باز هم ربطی به آن دو فیلم نداشت.

○ تیم بون: و بعد نوبت ریچارد کورتیز بود تا ...

○ اریک فلتر: ... نسخه نهایی را آماده کند.

● بنابراین در مواقعی به «گروه A» خودتان متوسل شدید؟ منظور ریچارد کورتیز و البته هیوگرانت است.

○ اریک فلتر: به نظر من برای یک کمدی عاشقانه بریتانیایی، مسلماً آن دو نفر گروه A هستند.

○ تیم بون: ریچارد کورتیز احتمالاً موفقترین فیلمنامه نویس حال حاضر دنیاست.

○ اریک فلتر: در مورد فیلمنامه های مکتوب، او چهار اثر دارد که همگی به تولید رسیده اند.

○ تیم بون: و سه تای آنها بیش از ۲۵۰ میلیون دلار فروخته اند.

● در مورد شارون مک گوایر کارگردان چه طور؟ او تنها فرد مورد نظر برای این پروژه بود.

○ اریک فلتر: به عنوان یک شخصیت روی کاغذ، بله.

● پس اگر او انتخاب هلن فیلدینگ بود، چطور فرد منتخب شما هم شد؟

○ تیم بون: خب، در مورد این نوع فیلم ها نکته جالب آن است که آنها همکاری ثابتی داشته باشند. این نوع فیلم ها مؤلف نیستند. کارگردان علاقه دارد تا بخشی از گروه باشد و شارون هم به نظر مناسب ترین فرد برای گروه بود.

● و اگر فیلم سومین قسمت از یک تریلوژی نیست، آیا شما فروش های ۲۵۰ و ۲۵۰ میلیونی فیلم های قبلی را در محاسبات خود دخالت نداده اید؟

○ تیم بون: نه، شما باید تلاشتان در هر فیلم ساختن بهترین نوع ممکن باشد و تردیدی ندارم که ما به عنوان یک شرکت در مورد فیلم های کمدی عاشقانه به فرمولی دست یافته ایم که به نظر می رسد در تمام بریتانیا می تواند مؤثر باشد. نکته مسرت بخش دیگر درباره این فیلم ها عدم نیاز آنها به بودجه های هنگفت است. بنابراین به عنوان بخشی از صنعت فیلم سازی، ساختن این نوع فیلم ها، بسیار به صرفه است...

○ اریک فلتر: یک ژانر خوب.

○ تیم بون: اما شما مطمئناً، مطمئناً نمی توانید چنین فکری بکنید که «خدای من، این فیلم ۲۵۰ میلیون دلار برای ما فروش می کند»، آنچه در ذهن ما می گذشت این بود: «بریجیت جونز یک جنس بسیار خوب و متعلق به بریتانیاست».

● پس از بریجیت جونز، شما با یک پدیده مکتوب دیگر روبرو شدید: ماندولین کاپیتان کورلی. این فیلم بزرگترین تولید شما تاکنون است، مگر نه؟

○ تیم بون: بله. ناتینگ هیل هم با



فاصله‌ای کم از آن قرار دارد.
O اریک فلتر: تقریباً. مثل هم هستند.

O تیم‌بون: بله. تقریباً کوره‌لی کمی پرهزینه‌تر است. البته هزینه تولید فیلم خیلی جالب است. فراموش نکنید بالاترین هزینه ما تاکنون از متوسط هزینه یک فیلم هالیوودی پایین‌تر است. متوسط هزینه یک فیلم در حال حاضر ۵۶ میلیون دلار است.

● چه امری هزینه تولید شما را کاهش می‌دهد؟
O اریک فلتر: ژانر. ما به دنبال فیلم‌های بزرگ و اکشن نمی‌رویم.

O تیم‌بون: بله، کاملاً درست است. آنچه مادر این راه طولانی آموخته‌ایم این است که اگر با هزینه کم فیلم بسازیم و موفق هم شویم، بعدها اجازه خواهیم داشت تا پروژه‌های بزرگتری را هم کار کنیم.

O اریک فلتر: می‌توانید نظارت خلافتانه‌تری اعمال کنید.
O تیم‌بون: می‌دانید، کورلی جان می‌دهد برای تولید، الیزابت (۱۹۹۸) هم همین‌طور، و به قول آمریکایی‌ها اگر راستش را بخواهید بریجیت جونز هم چنین شرایطی دارد. پس شما پول زیادی خرج نمی‌کنید و چون هر ۱۸ ماه یکبار کار پرسودی روانه بازار می‌کنید، پس کارتان بی‌ضرر و کاملاً درست است. کمی فکر کنید، در حال حاضر چهار - پنج فیلم در مرحله تولید داریم که مجموع هزینه همه آنها از متوسط یک فیلم هالیوودی پایین‌تر است. پس با خیال راحت می‌توانیم پنج فیلم را روانه اکران کنیم.

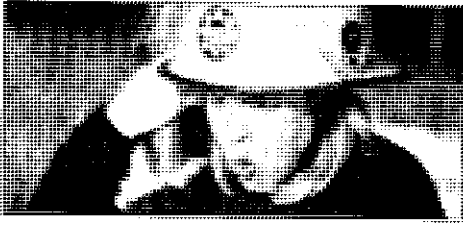
● بخشی از هزینه کم کورلی به دلیل دستمزد کم نیکلاس کیج بود. به نظر می‌رسد که در این نوع بحثها شما به کارتان واردید؟

O تیم‌بون: به هر حال هنرپیشه‌ها دستمزدشان را می‌گیرند. حتی شده با اندکی کاهش... کاهش که نه.

O اریک فلتر: بله. کاهش در کار نیست. هنوز هم پول کلانی است. من خودم برای چنین دستمزدهایی می‌میرم!
O تیم‌بون: راحت‌ترین راه رسیدن این ستاره‌ها به پول، موفقیت فیلم است و آنها هر لحظه برای شرکت در دریافت

بخشی از سود فروش فیلم آمادگی و اطمینان دارند. در مورد غول‌های صنعت فیلمسازی - اسپیلبرگ و تام کروز - هم مساله صادق است. آنها اصلاً نگران دریافتی بالا نیستند و فقط می‌گویند: «ما حاضریم در سود فیلم شریک شویم».

O اریک فلتر: و فیلمنامه‌ای مثل کورلی شبیه هیچیک از فیلمنامه‌هایی نیست که هر روز به هنرپیشه‌ها نشان داده می‌شود. فرض کنید که آنها قبلاً برای هر نقش پول زیادی به جیب می‌زدند؛ اما یکی از دلایلی که باعث چشم پوشی آنها از پول‌های کلان است، شانس بازی در نقش‌های هرمتندانه‌تر، هیجان‌انگیزتر و



پرکشش‌تر از همیشه است.
O تیم‌بون: به کلونی در ای برادر تو کجایی؟ نگاه کنید. جورج می‌توانست به هر چیزی فکر کند جز یک تلفن از طرف اتان یا جوئل کوئن با این مضمون که: «من این قسمت را فقط برای تو نوشتم». او پاسخ بدهد: «موافقم».

● شما شهرت خوبی در برخورد مناسب با افراد مستعد به هم زده‌اید و این باعث ادامه همکاری‌تان با آنها شده است.
O تیم‌بون: برخی همکاری‌های مجدد، بسیار رضایت‌بخش است.

O اریک فلتر: این امر حرف‌های تیم را تصدیق می‌کند؛ با هزینه پایین و موفقیت‌های نسبی به چنان استقلال‌خلاقانه‌ای دست یافته‌ایم که فراتر از من و تیم نمی‌رود. بنابراین اگر با کوئن‌ها یا استفن فریزر یا هر کس دیگر کار می‌کنیم، آنها می‌دانند، صحبت با ما نهایت کار است و نیاز ندارند که با کسی غیر از ما دو نفر سر و کله بزنند.

● میراماکس از لحاظ مالی در هر دو پروژه بریجیت و کورلی همکاری کرد. آیا این کار تعبیر همان جمله معروف است که: «اگر نمی‌توانی شکستشان دهی، با آنها باش»؟

O تیم‌بون: به نظر من آنها از همکاری با ما خشنودند.

● روزنامه‌نگاران تمایل دارند که شما را میراماکس بریتانیا بنامند؟

O تیم‌بون: فکر می‌کنم در اینکه ما و آنها تمایل داریم محلی مناسب برای فیلمسازان باشیم، تردیدی وجود ندارد و برای نیل به این هدف، میراماکس بزرگترین و ما دومین بازیگر این عرصه، در حال حاضر هستیم.

● سال ۲۰۰۰ از هر نظر برای شما موفقیت‌آمیز بود. بیلی الیوت، High Fidelity و ای برادر تو کجایی؟ جزو ده فیلم برتر سال از نظر مجله امپایر بودند.

O اریک فلتر: واقعاً؛ فوق‌العاده است.

O تیم‌بون: سال عجیبی بود. سالی که دوباره کار خود را آغاز کردیم، چرا که ادغام پلی‌گرام در یونیورسال وقفه‌های بزرگ در کار ما ایجاد کرد و ما دوباره آینده WT چندین مطمئن نبودیم. در همین حین نائینگ هیل را به سرانجام رساندیم؛ اما

برای ۱۸ ماه دست به هیچ کاری نزدیک که خوب، برای ما زمانی طولانی محسوب می‌شود، عادت کرده بودیم که سالی چهار - پنج فیلم کار کنیم. با آغاز به کار WT دوباره شروع کردیم و خوش شانس هم بودیم. فیلم‌هایی که تولید کردیم، همگی کاملاً موفق بودند.

● بیلی الیوت اولین محصول WT بود کی متوجه شدید که فیلم احتمالاً موفق خواهد بود؟

O اریک فلتر: در واقع آخرهای کار بود. فکر کنم اولین باری که کمی به توفیق فیلم امیدوارم شدم وقتی بود که ران مه‌یر در آمریکا فیلم را دید. عنوان او چه بود؟

O تیم‌بون: رییس.

O اریک فلتر: او رییس گروه





یونیورسال بود و ایده نمایش فیلم هم از آن او بود.

○ تیم بون: به همراه جوئل سیلور.
○ اریک فلنر: بله، ایروین وینکلر، جوئل سیلور، تری سمل (ریس سابق استودیوی برادران وارنر)، می دانید، همه این هالیوودی های لعنتی، همه شان گریه کردند.

○ تیم بون: همه گریه کردند.
○ اریک فلنر: شب به ما تلفن زده دو بعد از نصف شب بود و او هیجان زده گفت: «فیلم شما را همین الان دیدم. واقعا است. همه ما گریه کردیم و این یعنی فیلمتان ۱۰۰ میلیون دلار می فروشد» و ما با خود فکر کردیم که: «احتمالاً فیلم، صد میلیون فروش نمی کند. اما سرانجام بد هم نشد. فروش جهانی فیلم به ۸۰ تا ۹۰ میلیون دلار می رسد.

● کمی به عقب برگردیم، هر دوی شما، البته به طور جداگانه در فیلم های تأثیرگذار اواسط دهه ۸۰ مشارکت داشته اید. تهیه کنندگی چه حسی داشت؟

○ اریک فلنر: سرگرم کننده بود.
○ تیم بون: فضا نسبت به امروز متفاوت بود. آن روزها ما جوان بودیم.

○ اریک فلنر: بنابراین همه چیز در حد عالی بود. تیم بون: بله، در زمان تاجر سرمایه گذاران جوان تشویق می شدند و جوانان بیشتر تن به ریسک می دادند. مردم زیاد نگران پول نبودند. فضایی بود که شما می توانستید دست به هر کاری بزنید و نگران نتایج آن نباشید.

○ اریک فلنر: فن آوری و اینترنت نبود. اصلاً عصر متفاوتی داشتیم.

○ تیم بون: نکته دیگر اینکه هر دوی ما کمی خوش شانس بودیم. موفقیت در آغاز راه به خودی خود بد نیست. درست است که آدم از شکست ها بیشتر درس می گیرد، اما در زمینه انتخاب، ابتکار و سرمایه باید مراقب بود. همین طور از نظر روانی. در بازار کار، اگر شروع حرفه تان با یک توفیق همراه باشد، سرازیری موفقیت از آنجا آغاز می شود.

● بیشتر موفقیت شما، شانس است و هر چه تجربه تان افزوده شود، شانس تان هم کمی بیشتر می شود. اما فکر می کنم اگر موفقیت زودهنگام باعث شود به نبوغ تان ایمان بیاورید، در ادامه راه فیلمسازی خود دچار مشکل خواهید شد.

○ اریک فلنر: ما خیلی زود فهمیدیم که تابعه نیستیم. هالیوود آنقدر گرد و غبار آفسونگر دارد که شما نمی توانید هیچ کنترلی بر اوضاع داشته باشید.

● با تمام این احوال، چگونه چهار عروسی... شرایط کاری شما را تغییر داد؟ اصلاً علت عمده موفقیت این فیلم چه بود؟

○ تیم بون: هیچ چیز. مهم ترین چیز برای من این بود که در حین تولید چهار عروسی... فهمیدم که می توانم فیلم متفاوتی تولید کنم. شما می توانید به ژانری در انگلستان دست یابید که تماشاچی جذب کند. یک کمدی عاشقانه فیلمی در ژانر خود است.

● درباره روابط خود با ستاره ها صحبت کنید. چگونه با تیم رابینز همکاری کردید؟

○ تیم بون: تیم را در لس آنجلس دیدم و از دیدگاهها و نقطه نظرانش آگاه شدم. بیرون از نیویورک قرار دادم بلند مدت امضا شد و بلافاصله راه رفتن مرد مرده را در سال ۱۹۹۵ تولید کردیم.

● علاقه شما به کونن ها بس از وکیل هادساگر در جریان فارگو شدت یافت.

○ تیم بون: هدف ما ایجاد محیطی بود که آنها بتوانند به راحتی در آن کار کنند. درباره ریچارد کورتیز هم وضع همین طور

فارگو

بود. رابطه ما با او از سال ۱۹۸۷ با مرد قد بلند آغاز شد و بیشتر به صورت غیررسمی ادامه یافته است.

● با کونن ها چگونه کار می کنید؟ آیا فیلمنامه آنها را مطالعه می کنید و یادداشت بر می دارید؟

○ اریک فلنر: بله. آنها فیلمنامه را برای ما می فرستند و به ما می گویند که قصد انجام چه کاری دارند. بعد ما به آنها می گوئیم که چه می خواهیم. از هر شش تقاضای آنها، ما به پنج مورد پاسخ مثبت می دهیم. اما نهایتاً چنان رابطه نزدیکی با کونن ها داریم که بیشتر اوقات اختیار امور را به دست خودشان می سپاریم.

● آیا عنوان Working Title بیانگر علایق شخصی شماست؟

○ تیم بون: بله، تا حدودی. من و اریک باید هر پروژه های را پیش از تولید، دوست داشته باشیم. اما مثل بسیاری از تهیه کنندگان بریتانیایی در آن واحد جدال سختی داریم. اگر می خواهید فیلمی مثل الیزابت بسازید، که البته پروژه ای مخاطره آمیز محسوب می شود...

○ اریک فلنر: در طرف دیگر باید مستربین را هم داشته باشید.

○ تیم بون: دقیقاً؛ چرا که الیزابت می تواند پس از اکران کاملاً شکست بخورد. ناگفته نماند که ما تولید چنین فیلم هایی را دوست داریم. برای ایجاد تعادل بهتر است تا فیلمی مثل مستربین را در جناح مقابل اکران کنید.

○ اریک فلنر: کورلی و بریجیت هم وضعیتی مشابه دارند تا در این جدال تعادل برقرار شود. فکر نمی کنم که هیچ وقت چندین مستربین تولید کنیم. شاید این کار از نظر مادی موفق باشد، اما سرمایه گذاری روی انواع فیلم ها کمی جالب تر از هم رنگ شدن با جماعت است.

● با توجه به توفیق WT. آیا می دانید که چرا بخش های دیگر صنعت فیلم بریتانیا در حال دست و پا زدن برای بقا هستند؟

○ تیم بون: فقط توسعه، توسعه، توسعه. موفقیت در گرو کار با افراد مستعد و تولید فیلم هایی است که مردم علاقه مند به دیدن آنها هستند.

○ اریک فلنر: ماهنوز در اول راه هستیم و انجام اشتباه ناپذیر است. تصمیمات ناصحیح و ساختن فیلم های ناخوشایند هم در راه است. بیش از همه باید امیدوار باشیم که کمی شانس به روی ما لبخند بزند. چرا که شانس، عنصر جادویی است که شما هیچ دخالتی در آن ندارید.